

ارزیابی الگوهای سیاست خارجی ایران

بین دو انقلاب

جلد اول: از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد

روح الله اسلامی

با مقدمه تحلیلی دکتر سید محمدکاظم سجادی

اداره اسناد و تاریخ دیپلماتی

تهران ۱۳۹۲

فهرست‌نویسی پیش از انتشار

سرشناسه: اسلامی، روح الله، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: ارزیابی الگوهای سیاست خارجی ایران بین دو انقلاب / تألیف روح الله اسلامی، [به سفارش] اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی [وزارت امور خارجه].

مشخصات نشر: تهران: وزارت امور خارجه، اداره نشر، ۱۳۹۴.

شابک: دوره: ۷-۷۲۵-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸؛ ج. ۱: ۳-۷۱۰-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸

بها: ۱۴۰۰۰۰ ریال

مشخصات ظاهری:

وضعیت فهرست‌نویسی: فی‌بای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت: کتاب:

مندرجات: ج. ۱، انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد.

شناسه افزوده: سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم، ۱۳۳۴-، (مقدمه تحلیلی)

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی

شناسه افزوده: ایران، وزارت امور خارجه، اداره نشر

شماره کتابشناسی: ۸۹۰۳۱

ارزیابی الگوهای سیاست خارجی ایران بین دو انقلاب

جلد اول: از انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد

تألیف: روح الله اسلامی، مقدمه تحلیلی: سید محمد کاظم سجادی‌پور

شابک: دوره: ۷-۷۲۵-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸؛ جلد اول: ۳-۷۱۰-۳۶۱-۹۶۴-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۴

هم‌اگر: آموزش نشر: پیتا طهرانیان

ویراستار ادبی: مریم حجاری

صفحه‌آرایی، طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

اداره نشر وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۲۹۷۰۲۹، نمابر: ۲۲۸۳۲۵۶۵

نمایندگی و فروشگاه مرکزی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، پاساژ تاشران، طبقه همکف پلاک ۱۶۲۲

تلفن فاکس: ۶۶۹۵۲۲۹۰، تلفن همراه: ۰۹۳۵۹۶۴۹۰۲۷، تلفن: ۶۶۴۹۰۳۱۵

فروشگاه شماره ۲: خیابان شهید باهنر (نیاوران)، خیابان شهید آقایی، جنب مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی وزارت امور خارجه

تلفن: ۲۲۸۰۲۶۶۲

فهرست مطالب

مقدمه تحلیلی: دکتر سید محمد کاظم سجادی پور	۱
مقدمه	۵
فصل اول: الگوی نظری	۱۳
فصل دوم: الگوی بی طرفی اول: سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی اول	۳۹
فصل سوم: الگوی بی طرفی دوم: سیاست خارجی ایران در جنگ جهانی دوم	۱۲۹
فصل چهارم: الگوی سوم موازنه بر و و نام درایی سیاست خارجی ایران در آغاز جنگ سرد	۱۹۵
فصل پنجم: الگوی موازنه منفی در سیاست خارجی نور علی شدن صنعت نفت	۲۴۷
نتیجه گیری و راه کار	۲۸۹
منابع	۲۹۸

مقدمه تحلیلی

سیاست خارجی پدیده‌ای ترکیبی و پیچیده است. پیچیدگی سیاست خارجی بخاطر ترکیب عناصر گوناگون است که در سرنوشت و حرکت نهائی اثر گذارند. هر چند درجه اثر و وزن عناصر شکل دهنده آن متفاوت می‌باشد، اما ترکیب متعادل و متوازن آنها کار ماندن راحتی نیست. عنصر سرزمینی سیاست خارجی بسیار کلیدی بوده و این خود سیاحت و موضوعات گوناگونی مانند جغرافیا، ژئوپلیتیک و مرزهای طبیعی و سیاسی را اثر می‌دهد. اما سیاست خارجی را صرفاً نمی‌توان در عنصر جغرافیائی خلاصه کرد. به عنوان مثال، در چارچوب‌های مرتبط به سامانه‌های قدرت در سطوح مختلف در محصول نهایی سیاست خارجی سهم مهمی دارند.

سامانه قدرت داخلی در هر کشور به آینده‌ای از ساختار سیاسی و قانونی از یکسو و ترکیب و ماهیت نخبه‌گان سیاسی و همچنین پیوند آن نخبگان با مردم ارتباط پیدا می‌کند. توان سیاسی هر کشور برآیند پدیده‌ای از انواع کنش و واکنش‌هایی است که بصورت روزانه در سطوح مربوط به سامانه‌های قدرت سیاسی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در جریان می‌باشند. با توجه به آنچه که گفته شد این گزاره را براحتی می‌توان تائید کرد که در تعیین سیاست خارجی، عنصر داخلی و معنوی، سرزمینی و سیاسی، پویائی‌ها و فعل و انفعالات و مهمتر از همه عنصر فکری بر سته‌اند. عنصر فکری در سیاست خارجی، سهم بسزایی در تعیین مسیر حرکت یک ملت در مارپیچ کنش و واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دارد.

سیاست خارجی پدیده‌ای عمیقاً فکری است. فکری بودن سیاست خارجی بدین معنا نیست که نخبگان و مردم، جهان پیرامونی را چگونه می‌فهمند و مناسبات منطقه‌ای و جهانی را در قالب و چارچوبی منظم قرار می‌دهند؛ چگونه منافع کشور که در راس آنها بقا و ادامه حیات است را تعریف می‌کنند؛ و زنه تامین امنیت، استقلال -

رفاه و تولید و احترام، اعتبار و افتخار چگونه می‌اندیشند؟ اولویتهای زندگی جمعی کدام است؟ ابزارهای تحقق بخشی آرمان‌ها کدامند؟ چگونه می‌توان به تبیین اهداف متعالی مانند حفظ تمامیت ارضی - استقلال و تولید احترام و واقعیت‌های جاری سیاسی، می‌توان تعادل بخردانه‌ای برقرار نمود؟ این پرسش‌ها، پاسخ‌های ساده‌ای ندارند و پاسخ به آنها کارستان بوده و ژرف اندیشی، بصورت همه جانبه، تعلق عمیق به سرنوشت کنونی و افق آینده کشور و عبرت گرفتن از گذشته را می‌طلبد.

در عین حالیکه بر وزن و چگالی فکر و تفکر در سیاست خارجی تاکید شد، باید گفت که سیاست خارجی صرفاً در بحث فکری خلاصه نمی‌شود. سیاست خارجی پدیده‌ای در حوزه سیاست عملی است. اجرائی کردن فکر سیاست خارجی نیازمند تسلط به آن چیز است. نه از آن می‌توان با عنوان تکنولوژی دیپلماسی یاد کرد. منظور از تکنولوژی وجود مجموعه منظومه‌ای از تکنیک‌هایی است که طی تاریخ پرفراز و نشیب تعاملات بین ملت‌ها، از حالت دگر برخورد شده، بدون توجه به آن قالب‌ها نمی‌توان فکر سیاست خارجی را پیاده کرد. از نگرانی اعزام سفراء و نمایندگان سیاسی به کشورهای دیگر گرفته تا دادن یادداشت‌های سیاسی که بعضاً سرنوشت‌ساز هستند و از حضور تشریفاتی و سمبلیک در مراسم ملی دیگر کشورها گرفته تا مذاکرات چندجانبه که منجر به عقد قراردادهای و کنوانسیونهای اثرگذار می‌شوند، برجستگی مهارت‌ها و تکنیک‌های دیپلماسی غیرقابل انکار است.

بخشی از تکنیک‌ها و مهارت‌های شناخته شده، ژرف و بین‌المللی است و بخشی دیگر جنبه ملی و بومی دارند. حتی سخن از مکاتب گوناگون دیپلماسی است.

برایند آنچه ذکر شد ماهیت چندلایه، چند وجهی و پیچیده سیاست خارجی برای هر کشور را به نمایش می‌گذارد. بعلاوه این استنباط را می‌توان داشت که نمی‌توان، با نگرش تک وجهی به سیاست خارجی نگرست. فقط ترکیبی همه جانبه، متوازن و متعادل بین عناصر گوناگون است که هم به فهم سیاست خارجی و هم به اداره عملی سیاست خارجی کمک خواهد کرد.

پژوهش جناب آقای دکتر روح الله اسلامی، تلاشی برای پرتوافکنی بر ابعاد فکری سیاست خارجی ایران در فاصله بین انقلاب مشروطه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. آنچه این کار را از سایر کارهایی که درباره سیاست خارجی به چاپ رسیده متمایز می‌کند کوشش برای استیلاها و استنتاج‌هایی در مورد فکر سیاست خارجی ایران در دوره‌های گوناگون است. می‌توان با برداشتهای پژوهشگر موافق و یا مخالف بود، اما نمی‌توان تلاش وی برای نظم بخشیدن فکری و معنوی سیاست خارجی در چند مرحله حساس تاریخی را دست کم گرفت. تلاش مطالعاتی و پژوهشی جناب آقای دکتر اسلامی درخور تقدیر فراوان است. توجه به ابعاد فکری همراه با مراجعه اسناد بجامانده از مناسبات خارجی ایران، این پژوهش را برجسته و متمایز می‌کند. بطور کلی باید گفت که مطالعاتی مبتنی بر اسناد روابط خارجی، نیازمند تقویت همه جانبه است. در دوران بعد از انقلاب، بدین روش آرشو وزارت امور خارجه به عنوان کهن‌ترین نهاد اداری کشور، اسناد فراوانی به کارش کشید. پژوهان ایرانی منتشر شده که همگی سودمند هستند. اما زمان آن رسیده که بر این اسنادها نقاط فکری و معنوی سیاست خارجی ایران شناسایی شود تا از ریزش آن‌ها در سیم این نقطه چین‌های فکری، مسیر تفکر گذشته سیاست خارجی مورد شناسایی و نقد قرار گرفته و بدین وسیله، ارزیابی فکر سیاست خارجی به پدیده‌ای جدی در بین پژوهان ایرانی تبدیل شود. با توجه به شناختی که از دکتر اسلامی به عنوان استادی با اندیشه‌های عالی پژوهشی سراغ دارم، همچنین با توجه به دغدغه و دل مشغولی به منافع همه ما در سیاست خارجی، انتشار این کتاب را طلیعه‌ای مبارک در گسترش و تعمیق فکر سیاست خارجی در جامعه علمی و عملی مناسبات بین‌المللی می‌داند و از خداوند بزرگ راجع به ایشان کمال توفیق را خواهیم.

سیدمحمد کاظم سجادی‌پور

ایرانیان از تکنولوژی مکانیکی مدرن عقب ماندند و در آستانه‌ی تحول بزرگ سیاسی که با مشروطه آغاز شد بدشمنی آوردند، به نحوی که به جنگ جهانی اول و دوم برخورد کردند. این کتاب تلاش بزرگ و قابل ستایش ایرانیان جهت حفظ نام ایران را نشان می‌دهد که چگونه نام وطن با مبانی خرد جدید در دستگاه وزارت امور خارجه متبلور شد. این نوشتار روایت دفاع ایرانیان از خرد جدید سیاسی است که توسط ساختار وزارت امور خارجه با همه محدودیت‌ها به بهترین شکل اجرا شد. وزارت امور خارجه تنها تکنیک منحصر به فرد علم سیاست در دوره جدید را در دست دارد که با انکا به خرد دیپلماتیک به معنایی با دستان خالی اما مغزهای زیرک توانستند بحال را سپری کرده و کشور را نجات دهند. این کتاب داستان مبارزه ایرانیان جهت رسیدن به استقلال در سیاست خارجی است. یکی از وجوه متمایز کننده کشورها به لحاظ درجات توسعه یافتگی خارجه و روابط خارجی و داشتن الگوهای مشخص در رابطه با کشورهای منطقه است. کشورهای نوسالتر اندک اهمیت ارضی خود را حفظ کرده و در شاخص‌های امنیت، اقتصادی و فرهنگی رشد کنند که دارای الگوهای عقلانی و واقع‌گرا در سیاست خارجی شان باشند. ایران در زمان فتحعلی شاه وزارت امور خارجه را تاسیس کرد که در ابتدا کل نیروهای آن پنج نفر بودند. به تدریج با وقوع انقلاب مشروطیت ارتباط خارجی تبدیل به سیاست خارجی شد. در این پژوهش تمامی الگوها و سیاست‌گذاری‌های سیاست خارجی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ایران مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۳۳۲ چند الگو در سیاست خارجی طراحی و اجرا کرده است.

به عقیده این پژوهشگر، یک عامل ثابت و متغیر اصلی و جزئی دارد که باعث می‌شود ایران در تحلیل وضع داخلی و خارجی و برآورد هزینه و فایده برای طراحی سیاست خارجی الگویی غیر مناسب طراحی کند که اغلب به شکست منجر می‌شود. این متغیر اصلی در نوسالتری و الگوهای آرمانی تفکر ایرانی ریشه دارد که در همه دوره‌ها تکرار شده است. رویا، آرمان یا ناخودآگاه نوسالتریک ایرانی که دارای سه منبع بسیار قدرتمند ایران باستانی، اسلام شیعی و تجدد است. این سه منبع الگوهای سیاست خارجی را به سمتی بیش‌برد که فاصله بسیار زیادی با شرایط داخلی و خارجی و امکانات ایران داشته است. سازه‌های ذهنی نوسالتریک آرمان‌گرا همیشه در تضاد دیالکتیکی با موازنه قوا قرار می‌گرفتند که برآیند این جدال آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی شکست سیاست خارجی بوده است. در این پژوهش چهار الگوی سیاست خارجی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

موازنه قوا و بی طرفی اول (۱۳۰۴-۱۲۸۷): سیاست خارجی ایران در دوران مشروطه و دوران جنگ جهانی اول که نتیجه آن اشغال و دست نیافتن ایران به اهدافش بود.

موازنه قوا و بی طرفی دوم (۱۳۲۰-۱۳۰۴): سیاست خارجی پهلوی اول در حرکت به سمت آلمان ها به عنوان نیروی سوم و اعلام بی طرفی در جنگ جهانی دوم که به اشغال ایران ختم شد.

موازنه قوا و واقع گرایی (۱۳۲۶-۱۳۲۴): سیاست خارجی ایران بعد از اشغال و به خصوص بحران آذربایجان که تنها الگوی موفق و پیروز در الگوهای سیاست خارجی به شمار میرود.

موازنه قوا و رازنه منفی (۱۳۳۲-۱۳۲۶): سیاست خارجی ایران در دوران ملی شدن صنعت نفت که نوعی عدم تعهد ملی گرایی منفی بود و در نهایت به شکست انجامید.

در هر فصل که یکی از این الگوها مورد تحلیل و ارزیابی قرار می گیرد، چهار مولفه اصلی تکرار میشود که عبارتند از:

شرایط داخلی: نیروی و توان نظامی / وضعیت اقتصادی / تحولات سیاسی داخلی

شرایط خارجی: چینش نیروی منطقه ای و بین المللی و خواسته آنها از ایران

بازیگران سیاست خارجی: شاه / نخست وزیر / وزیر امور خارجه / سفرا و کارشناسان وزارت امور خارجه

الگوهای سیاست خارجی: عدم تعهد / بی طرفی / رازنه قوا / ائتلاف / اتحاد / استقلال ملی / موازنه مثبت / موازنه منفی

در پایان هر فصل ارزیابی اولیه و نتیجه هر کدام از این الگوها مورد ارزیابی قرار میگیرد.

سوالات پژوهش:

چند الگو در سیاست خارجی ایران از مشروطه تا کودتای ۱۳۳۲ قابل تحلیل و ارزیابی است؟

نام الگوها، شرایط منجر شده به اتخاذ این الگوها و ارزیابی این الگوها چیست؟

دیالکتیک واقعیت موازنه قوا و نوستالژی آرمان گرا چه تاثیری در سیاست خارجی داشته است؟

فرضیه:

الگوهایی در سیاست خارجی ایران قابل شناسایی است که با توجه به اینکه ایرانیان دارای ناخودآگاه و فرهنگ سیاسی آرمان گرایی هستند که ریشه در سه منبع باستانی، اسلامی و متجدد دارد به سبک نوستالژیکی شرایط داخلی و خارجی را تفسیر کرده و سیاست خارجی طراحی میکنند که در چند الگوی آن به شکست انجامیده است.

چارچوب تئوریک:

متغیر مستقل، ناخودآگاه و فرهنگ سیاسی آرمانی ایران است که همیشه الگوهای سیاست خارجی را به سمت بی طرفی، عدم تعهد، ابرقدرت گرایی و رفتارهای رادیکال سوق میدهد. به این معنا، منابع سه گانه ملی، اسلامی و متجدد به صورت عینی در می آیند که بازیگران سیاست خارجی در چارچوب آن شرایط را به گونه ای تفسیر می کنند که اغلب اهداف و سیاست هایشان بر واقعیت و امکانات تطبیق ندارد.

این پژوهش دیالکتیک آرمان گرایی را می سنجد که ریشه در ذهنیت ایرانی دارد و واقع گرایی که موازنه قوا را الزامی می سازد. در این پژوهش برای بررسی و ارزیابی عقلانیت از واقع گرایی و برای تحلیل متغیر اصلی از سازه انگاری بهره گرفته ایم. به خصوص دو متفکر والتز و ونت چارچوب تئوریک این پژوهش را سامان می دهند.

پیشینه تحقیق:

در مورد سیاست خارجی ایران از دوره طوطی تا کودتای ۱۳۳۲ چند تئوری وجود دارد که عبارتند از:

تئوری تعامل سه جانبه پویا: دکتر روح الله رمضانی

تئوری وابستگی: دکتر منوچهر محمدی و دکتر بلال الدین مدنی

تئوری مستقل ملی: دکتر علیرضا ازغندی، دکتر هوشنگ مهدوی

تئوری استبداد ایرانی: دکتر همایون کاتوزیان، دکتر خاچاتر

تئوری پدیدارشناسانه ملی: دکتر گراهام فولر

در این پژوهش از آثار محققان و اندیشمندان داخلی و خارجی استفاده شده است و با استفاده از مدل دیالکتیک آرمان گرایی و واقع گرایی سعی شده با پوشش الگویی سیاست خارجی ایران شناسایی و براساس مولفه های چهارگانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

اهمیت پژوهش:

الگوهای سیاست خارجی ایران بر اساس چهار مولفه کاملاً موازنه ای مورد تحلیل قرار میگیرد. برای اولین بار متغیر اصلی شکست سیاست خارجی ایران با رویکرد سازه ای و درآوردن منابع آن تحلیل می شود.

یکی از اصلی ترین ویژگی های این پژوهش تداوم سیاست خارجی، به خصوص تداوم سازه های تفسیرگر و طراحی است که همیشه بدون شناخت و نقد در قالب ناخودآگاهی سیاست خارجی را شکل میدهند.

هم چنین می تواند برای مقطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی گرایش های علوم سیاسی، روابط بین الملل و مسائل ایران به عنوان متن درسی مورد استفاده قرار گرفته و در آینده بر روی سیاست خارجی ایران بعد از کودتا تا انقلاب اسلامی و بعد از آن نیز تطبیق داده شود که به یاری خدا بعداً نوشته خواهد شد.

جدول پژوهش:

چهار الگوی سیاست خارجی ایران

عنوان دیالکتیک	دوره زمانی	وضعیت داخلی	وضعیت خارجی	سیاست گذاران	الگوی سیاست خارجی	نتیجه	ارزیابی الگو (تداوم سازه)
موازنه قوا و بی طرفی (۱)	۱۳۰۴-۱۳۸۷	تفرقه و شکاف مشرطه	جنگ جهانی اول	اشراف و نخبگان قاجاریه	بی طرفی	شکست و انغال ایران	
موازنه قوا و بی طرفی (۲)	۱۳۰۴-۱۳۲۰	ملاری و دیکتاتوری	جنگ جهانی دوم	رضاشاه	ترباس به انسان و بی طرفی	شکست و انغال ایران	
موازنه قوا و واقع گرایی	۱۳۲۰-۱۳۲۶	ان ادرانجان	آغاز جنگ سرد	قوام- فروغی معی راده	دیپلماسی عملگرا	سروزی حفظ استقلال و تسامیت ارضی	بسته دوره موقت
موازنه قوا و موازنه منفی	۱۳۲۶-۱۳۳۲	می شدن نقش	جنگ سرد	شاه- مصدق	عدم عهد و موازنه منفی	شکست و واپس	

چهار پرسش وضعیت داخلی، وضعیت خارجی، سیاست گذاران و الگوهای سیاسی به همراه نتیجه و ارزیابی الگو در سیاست خارجی ایران مورد ارزیابی قرار می گیرد.

پرسش های مورد بررسی در الگوهای سیاست خارجی

وضعیت داخلی	وضعیت خارجی	سیاست گذاران	سازه و اندیشه	ارزیابی سیاست
بروری نظامی	جبهش منطقه	ساده و دربر	ایجاد اتحاد	سیاست ایفودری و تاریکری ارمال غرا
وضعیت اقتصادی	جیش بین الملل	نحست وزیر و دولت	عدم عهد می صرفی	موازنه قوا و واقع گرایی
تحولات سیاسی	خوانده هالز ایرلی	دستگاه وزارت امور خارجه	موازنه قوا	سماسه ارضی، استقلال رود اقتصادي

فصل بندی پژوهش:

مقدمه

فصل اول: چارچوب تئوریک

فصل دوم: موازنه قوا و بی طرفی (۱)

فصل سوم: موازنه قوا و بی طرفی (۲)

فصل چهارم: موازنه قوا و واقع گرایی

فصل پنجم: موازنه قوا و موازنه منفی

نتیجه گیری

خلاصه کتاب:

برای ترسیم ایستادگی ایران با دست های خالی در برابر بحران های دنیای مدرن نوشتار کتاب چنین سامان دهی شده است.

در فصل اول مباحث تئوریک و نظری پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد؛ آیا ایران که در ادبیات علم سیاست به عنوان کشوری در حال توسعه، شرقی و کهن یاد می شود؟ آیا الگوهای مشخص، قاعده مند، قابل بررسی و قابل پیش بین در محیط بین الملل دارد که بتوان آنها را در مطالعات سیاست خارجی مورد تحلیل قرار داد؟ در این نوشتار نویسندگان قصد دارند الگوهای چهار گانه ای از سیاست خارجی ایران از مشروطه تا کودتای ۱۳۲۶ را مورد تحلیل قرار دهند، که این الگوها اغلب در دیالکتیکی میان آرمان گرایی موجود در عسکری شناسی اندوهبار ایرانی و واقع گرایی مترتب بر فضای بین الملل در نوسان است. در این چرخش بین نوستالژیک وار ایرانیان که گونه ای از سازه های جمعی ذهنی آنها است، مورد تحلیل قرار می شود. بعد از آن علم ستیزی و رویکرد ضد تحصیل گرایی در بعد معرفت شناسی ایرانیان بررسی می شود. آیند این دو، غیبت بزرگی است که اصلی ترین پارادایم سیاست خارجی، یعنی واقع گرایی به زانو می کشاند. برای اثبات فرضیه پژوهش الگوهای سیاست خارجی ایران به صورت خلاصه ارزیابی می شوند تا نشان داده شود که گذشته گرایی قدسی به خصوص با ناخودآگاه های تمدن ایران باستان و پوشش عرفان شیعی - معرفتی به شدت علم ستیز، ضد واقعیت را شکل داده است که اغلب الگوهای سیاست خارجی ایران را با چاشنی آرمان هایی بدون پشتوانه و ضمانت اجرا همراه ساخته است. البته دیالکتیک میان دو فضای مختلف اغلب خلاقیت های امتیازآوری نیز برای ایران بوجود آورده که دستگاه وزارت امور خارجه در طراحی، اجرا و حتی ارزیابی این الگوها بسیار پیشرو و کارآمد بوده است.

در فصل دوم الگوی بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول مورد بررسی قرار می گیرد. در دوره قاجاریه علی رغم اینکه کشورهای قدرتمند در حال افزایش توان اقتصادی و نظامی و اجرای سیاست گذاری مکانیکی بودند، اما ایران زیر بار سنگین سنت کهن امکان قدم گذاشتن به دوره جدید را نرفت. بعد از کشته شدن ناصرالدین شاه و پیدایش افکار مکانیکی، ایرانیان پوسته حکومت مندی قدیمی و کهن را شکافتند و اهداف جدیدی در سیاست خارجی دنبال کردند. این نوشتار به الگوی سیاست خارجی ایران بین سال های ۱۲۸۵ (انقلاب مشروطه) تا سال ۱۳۰۴ (روی کار آمدن سلسله پهلوی) می پردازد. برخی از اقدامات اصلاحی جهت پیگیری منافع ملی در محیط بین الملل قبل از انقلاب مشروطه ایجاد شده بود، اما ایران همیشه در وضعیت داخلی با شرایط استبدادی، اوضاع نابسامان اقتصادی و نظامی در برابر روس و انگلیس تسلیم محض بود به نحوی که بسیاری از تملیروى سرزمینی اش را از دست داد و به شدت تحقیر شد. انقلاب مشروطه باعث شد افکار، قانومند رویه ای اجرایی پیدا کنند و در این راستا سیاست استقلال گرایانه برای فرار از تبعات منفی خواسته های روس و انگلیس در کشور شکل گرفت. در این نوشتار به شرایط داخلی و خارجی ایران از مشروطه تا روی کار آمدن رضاشاه پرداخته می شود و اینکه الگوی های مورد تاکید جهت رسیدن به اهداف جدید چه بود و کدامیک پیاده شد. نوشتار به سبکی روشمند جریان ها و تحولات داخلی و خارجی را که منجر به اتخاذ الگوی بی طرفی شده را واکاوی کرده و این الگوی هوش ندانه را دقیق را مورد ارزیابی قرار می دهد.

فصل سوم به الگوی بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم می پردازد. از زمان کودتا تا روی کار آمدن رضاشاه و شانزده سال بعد از استعفاء او از سلطنت، دور ای جدید در سیاست خارجی ایران شکل گرفت. ایران شانس بسیار بزرگی آورد که حوی همایش روسیه به خاطر انقلاب سوسیالیستی کاسته شد و یکی از موفق ترین قراردادهای دیپلماتیک ایران با شوروی در سال ۱۹۲۱ بسته شد که پیروزی بزرگی برای استقلال ایران به شمار می آمد. ملی گرایان ایران آزادی و اسلام را قربانی توسعه و پیشرفت کردند و با اجماع نظر رضاشاه را به قدرت رساندند. در این فصل تلاش ۱۶ ساله نهاد وزارت امور خارجه ایران مورد واکاوی قرار می گیرد؛ چگونه ایران با ایجاد ارتش و بروکراسی جدید در قالب الگوی مکانیکی قرار گرفت، اما در آخرین سال های مقارن با جنگ جهانی دوم با آنکه اعلام بی طرفی کرد ولی سیاست داخلی هماهنگ با آن روی نداد و اشغال شد.

در فصل چهارم الگوی موازنه قوا و واقع گرایی قوام در مورد تحولات بعد از اشغال ایران تحلیل می شود. یکی از بحرانی ترین دوران سیاست خارجی ایران بعد از اشغال کشور به دست نیروهای

متفقین بعد از شهریور ۱۳۲۰ به وقوع پیوست. در این دوران شوروی و انگلیس همانند دوره قاجار از شمال و جنوب خاک ایران را مورد هجوم قرار داده و دقیقاً روابط حاکم را بر اساس قرارداد نانوشت ۱۹۰۷ تنظیم کردند. در دوره مشروطه تنها الگوی بی طرفی در جنگ جهانی اول توانست تمامیت ارضی کشور را حفظ کند، اما در دوره رضاشاه با توجه به قدرتمندی الگوی نیروی سوم و همینطور سیاست تعلیق در برابر درخواست های متفقین کشور اشغال شده و احتمال سقوط نظام سیاسی و از همه بدتر تقسیم و تجزیه کشور بالا رفت. بسیاری از تحلیل گران درگیر قدرت های بزرگ به خصوص شوروی و آمریکا در موضوع ایران را سرآغاز جنگ سرد می دانند. در این دوران کشور اشغال شد، کمبود مواد غذایی و بحران های مالی به خصوص تورم جمعیت کشور را کاهش داد و از همه بدتر هویت و تمامیت ارضی در معرض نابودی قرار گرفت. نخبگان و اشراف دوره قاجار که توسط رضاشاه به حاشیه رفته بودند بازگشتند و به خصوص شخص قوام توانست با الگوری واقع گرایی و موازنه مثبت به دور از ایدئولوژی و با فهم دقیق تحولات داخلی و خارجی، قدرت های مختلف را رو در روی هم قرار داده و در پرتو ایجاد موازنه قوا، امکان کنشگری پیروزمندانه را فراهم آورد و کشور را تجات داد.

در فصل پنجم الگوی عدم تعهد در دوران ملی شدن نفت بررسی می شود. ایران بعد از آنکه از بحران جنگ جهانی دوم خارج شد و با اتخاذ الگوی واقع گرایی قوام بحران تجزیه غرب کشور را حل و فصل کرده و اشغالگران را بیرون انداخت، وارد بحران بزرگ دیگری به نام ملی کردن صنعت نفت شد. ایرانیان علاوه بر حفظ تمامیت ارضی که با تلاش دیپلماتیک نخبگان اشرافی بعد از جنگ حاصل شد، به استقلال و پیاده کردن الگوهای دموکراتیک و قانونی در سیاست داخلی و خارجی متمایل بودند که با مخالفت ها و واکنش های تهاجمی و محیط بین الملل رو به رو شدند. محمد مصدق، نخست وزیر ملی گرا و اشرافی پاکدست، از مجلس چهاردهم به بعد دنبال آن بود که نه تنها کشورهای خارجی را از ایران خارج کند و تاثیرگذاری آنها را به حداقل برساند، بلکه به طور همزمان دو هدف دیگر را نیز دنبال می کرد؛ از یک سو قصد داشت بنیادهای نهادی و قانونی دموکراسی در ایران را پایه ریزی کند، به نحوی که از برآمدن دیکتاتوری دوران رضاشاه جلوگیری کند و از سوی دیگر امتیازات خارجی به خصوص در بخش نفت را در ضابطه هایی چون حفظ منافع ملی با فیلتر کنترل و اقتدار ایران قرار دهد تا چرخه وابستگی و اسعمار در کشور را به حداقل برساند. نیروهای ملی با ائتلاف با نیروهای مذهبی و آزاد گذاشتن

چپ گرایان سعی کردند سیاست گذاری انتقادی و آرمانی را شکل دهند، به نحوی که همه رخدادهای سیاسی آن زمان تا شکل گیری کودتا میراثی اثرگذار در تاریخ معاصر سیاست خارجی ایجاد کرده است. هم‌چنین الگوی سیاست خارجی مصدق، یعنی موازنه منفی و تلاش بسیار تاثیرگذار، اسطوره ای و نمادین سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ نخنگان سیاست خارجی جهت دست یابی به آزادی و استقلال در محیط بین الملل را مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

در پایان از زحمات و تلاش های دوستان و عزیزان سپاسگزاری کرده و از این که نمی توان نام همه آنها را در این نوشتار آورد پوزش می طلبم. دکتر محسن خلیلی و دکتر محمد کاظم سجادی به آنها مشورت کرده ام و بسیار به من یاری رسانده‌اند. هم چنین آقای دکتر مرتضی دامن پاک جامی، معاونت پژوهشی مرکز آموزش و پژوهش های بین المللی وزارت امور خارجه همینطور همکاران ایشان در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، آقای دکتر اسماعیل نیا، آقای سید علی موجانی، آقای محسن چگینی، آقای ناصر زمانی و دیگر دوستان در اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی که در مراحل مختلف پژوهش با اینجانب همکاری کرده اند قدردانی می کنم. از همسر، فاطمه ذوالفقاریان نیز برای بارز های همیشگی اش سپاسگزارم.